

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض کردیم نکته‌ای در این روایت آخری که مربوط بود به علاء بن سیابة این نکته بود که تصویر احتیاط چطور می‌شود ما دیروز از کتاب مرحوم نائینی تصویر احتیاط را خواندیم بعد دیروز عرض کردم دیگر کتاب مکاسب را نیاوردم می‌خواستیم همین جا از همین دستگاہ‌ها استفاده کنیم بعد ایشان مرحوم شیخ اولاً این صفحه‌ی ۳۵۷ فمقتضی ، این اولاً در این مطلبی که دیروز عرض کردم در عبارت فمقتضی حکم الامام علیه السلام ان صحة المعاملة المالية الواقعة فی کل مقام ، این خیلی تعجب است مگر اینکه آخر دارد که بیع و معاملات و الا روایت که در بیع است یستلزم صحة النکاح الواقع بطریق اولی این اولویت روشن نیست و چنین قاعده‌ی کلی از آن روایت در نمی‌آید بعد هم عرض کردیم مشکل آن روایت این است که این که امام می‌فرمایند از باب احتیاط است و در آن روایت آمده که حرف اهل سنت هم از باب احتیاط است .

لذا مرحوم شیخ و دیگران و مرحوم نائینی متنبه به این نکته نشدند که اصلاً روایت چه دارد می‌گوید اصلاً چه کارش کنیم روایت را ، یعنی آن روایت که می‌گوید در باب نکاح احتیاط کردند این طور عرض کردیم بحثی که بود این بود شخصی را وکیل کرد ، خانمی شخصی را وکیل کرد که یک شوهری برای او بگیرد بعد که رفت که پیدا بکند آن خانم عزلش کرد و از وکالت انداخت او هم خبر نداشت معزول شده است رفت برای او شوهری پیدا کرد بعد خانم می‌گوید به اینکه من شاهد دارم به اینکه من عزل کردم بحث سر این بوده آیا اعتبار به عزل است پس نکاح باطل است اعتبار به علم است پس نکاح درست است .

اگر در باب وکالت اعتبار به عزل باشد زوال وکالت به عزل خوب عزلش کرد اینجا نکاح باطل است ، اگر اعتبار به علم باشد چون خبر نداشت پس نکاح درست است دقت کردید ؟ آن وقت لطیف در روایت این است که کلامی را که از اهل سنت نقل کرده آن‌ها گفتند برای احتیاط ما این طور می‌گوییم آیا احتیاط در اینجا این است که بگوییم عزل یا احتیاط در اینجا این است که بگوییم علم . باز امام می‌فرمایند اعتبار به علم است احتیاط است . لان النکاح احری و احری ان یحتاط فیه .

و لذا مرحوم نائینی فرمودند که این مشکل است روایت ، چرا چون در اینجا اصلاً دوران امر بین محذورین است بین اینکه نکاح واقع باشد یا نباشد ، کدام یکی مطابق با احتیاط است و اصلاً احتیاط یعنی چه در اینجا چطور احتیاطی است ؟ اگر احتیاط کند به علم خوب

واقعا ممکن است بگوییم به عزل تمام می شود پس نکاح باطل است ، قاعدتا باید بگوییم باطل است نه این که باید بگوییم درست است ، از آن طرف امام می فرمایند علم است چون احتیاط این اقتضا را می کند .

عرض کردیم آن که به ذهن ما می آید در اینجا اگر معیار را به علم گرفتیم مطابق می شود با استصحاب در شبهات حکمیة کلیه که ما هم آن را قبول نکردیم مشکل استصحاب پیش آمد ، یعنی امام می فرماید احتیاط بکند تا علم چرا ؟ چون توکیل آمد دلیلی بر اینکه این توکیل باطل شد نیامد ادامه دارد تا جایی که یقین پیدا کردیم باطل شده است .

پس اگر بگوییم احتیاط یعنی مطابق با حجت شرعی مطابق با بینه مطابق با اماره مطابقت با اصل عملی ، مطابقت با اصل عملی این را اقتضا می کند پس احتیاط در این طرف ، مرحوم نائینی هم مجبور شدند بگویند نه آقا ما از روایت فقط اهمیت نکاح را این را فقط می فهمیم و اما احتیاط این نیست احتیاط این است که این زن را طلاق بدهد اگر خواست دو مرتبه بگیرد اگر قبول کرد احتیاط اگر بخواهیم بکنیم این است راه احتیاط این است نه اینکه بگوییم احتیاط به علم است .

مرحوم شیخ متعرض این مطلب شده بقی الکلام فی وجه جعل الامام الاحتیاط فی النکاح هو ابقائه دون ابطاله ، ابقائه یعنی تا علم ، ابطال یعنی عزل ، مستدلا بانه یكون منه الولد مع ان الامر فی الفروج کالاموال دائر بین محذورین ولا احتیاط فی البین و مرحوم نائینی هم کیفیت احتیاط ، ویمکن مرحوم شیخ آمدند یک توجیهی بکنند يجعل ان یكون الوجه فی ذلك ان ابطال النکاح فی مقام الاشکال والاشتباه يستلزم التفريق بین الزوجین علی تقدیر صحة واقعا ، یعنی واقعا اگر درست باشد بین دو تا فتزوج المراءة ويحصل الزنا بذات البعل .

اگر بنا باشد که اعتماد به استصحاب باشد که زنا به ذات البعل نیست زناى شبهه است وطی به شبهه است . یعنی اگر واقعا این عقد درست باشد و ما بگوییم اعتبار به عزل است و باطل است بین زن و شوهر جدا شده این زن که می رود ازدواج می کند این زن هنوز شوهر دارد بخلاف ابقائه فانه علی تقدیر بطلان الطلاق لا یلزم منه الا وطی المراءة الخالیة عن المانع وهذا هون من وطی ذات البعل خوب این هم مشکل است فرق نمی کند دیگر ، اگر واقعا طلاق باطل باشد یعنی وکالت باطل باشد و این نکاح نباشد درست است این زن شوهر ندارد حالا این ذات البعل نیست لکن به هر حال زنش نیست دیگر چه فرق می کند زنش ذات البعل باشد یا نباشد .

اگر بناست وطی شبهه باشد در هر دو وطی شبهه است اگر بنا به حرمت است لذا ایشان می گوید فالمراد بالاحوط هو الاشد احتیاطا ، مرحوم شیخ معنای حدیث مبارک را این می گوید .

عرض کنم دیگر بقیه‌ی کلامی که بعد است ،

یکی از حضار: حاج آقا چه معنی دارد امام چون این مساله سر اصل حکم است، امام بخواهد احتیاط بکند، خوب امام که حکم را می داند ملاک این است یا آن یکی است دیگر.

آیت الله مددی: ظاهرا اگر بخواهیم این را بگوییم باید بگوییم یک نوع استدلال جدلی است یعنی می خواهد در مقابل آنها صحبت کند.

عرض کنم خدمتان اولاً باید این کلمه‌ی احتیاط معنایش روشن بشود تا ببینیم این آقایان مطالبی که فرمودند به کجا منتهی می شود. عرض کردیم احتیاط از کلمه‌ی حاط یحوط یعنی فراگیر به حساب بخواهیم ترجمه کنیم فراگیر یعنی می آید تمام آن را فرا می گیرد. احتیاط در اصطلاح فقهی سه معنا دارد، اصولی و فقهی که ما الان به کار می بریم دارای سه معناست.

اولاً همان طور که ایشان فرمودند ما عرض کردیم شیخ هم در رسائل در بعضی از جاها دارد احتیاط اصولاً برای حد العلم است یعنی بعبارة اخری احتیاط به عنوانی که ما الان به عنوان اصل عملی به کار می بریم این برای این است که ما تعاملی با صور علمی خودمان داشته باشیم چرا چون واقع روشن نیست با صورت ذهنی خودمان با صورت علمی خودمان اشکال در اینجا این است که خوب امام که نمی شود با صورت علمی تعامل کند خوب امام واقع را می گوید حق را می گوید این احتیاط برای مواردی است که عرض کردم کرارا دیروز و پریروز هم مفصل اصل عملی فرض اولی اش جهل است، چه برائت، چه اختیار، چه تخیر، چه اشتقاق، چه قاعده‌ی سوق مسلم، چه قاعده‌ی اصالت... اصل اولی، چه استصحاب، فرض اولی جهل است چون واقع معلوم نیست یک اصل عملی قرار می دهد یک قاعده‌ای قرار می دهد خوب اینکه در شان امام تصور نمی شود.

بله ممکن است امام به طرف قاعده یاد بدهد در آنجایی که طرف برایش فرض است، انی اری لک ان تاخذ، اری لک ببینید، یا انی اری لک عرض کردم ماها در دنیای خودمان اری لک می خوانیم لکن در کتب اهل سنت که مقید به ضبط هستند اری لک و این درست است چون اری اگر باشد یعنی رای من این است اری یعنی خدا به من این جور گفت، اری فعلی که مجهول می آید نسبتش به خداست، خدا این جور به من نشان داده است. لذا ضابطه‌ی اری بهتر است. انی اری لک ان تاخذ بالحائطة لدینک این در مورد ماها تصور می شود چون جهل داریم در امام مشکل است.

بعدهش هم دقت کنید نکته‌ی بعدی ما در این جور موارد عادتاً دو جور شبهه داریم مثلاً زن می گوید من تو را عزل کردم مرد می گوید نه عزل نکردی این شبهه‌ی موضوعیه است در اینجا چون جهل اصول عملی می آید اصل عملی هم در اینجا استصحاب است احتیاط نیست اما در اینجا در شبهه‌ی حکمیه است که اصلاً وکالت چه وقت تمام می شود به عزل یا به علم، این باید امام حکم واقعی را بیان بفرمایند.

اینجای بحث ما اینجا این است یعنی مسلماً عزل کرده شاهد هم گرفته که عزل کرده پس عزل مسلم است ، علم این آقا هم متاخراً مسلم

است . اشکال سر این است که وکالت با عزل از بین رفت یا با علم . این شبهه‌ی حکمیه است احتیاط یعنی چه ؟

توضیح این مطلب چون سابقاً هم گفتیم ، حالا گفتیم امروز هم یک توضیحی بدهیم ، احتیاط در این مجموعه‌ی اصطلاحات سه جور

است یک معنای احتیاط که اصطلاحاً من اسمش را گذاشتم احتیاط به مناط حکم عقل نظری این احتیاط به مناط حکم عقل نظری عبارت

از این است که ما در مساله چند تا احتمال می‌دهیم ما همه‌ی احتمالات را انجام بدهی این حکم عقل نظری است اگر شما همه را انجام

دادید انجام دادید نمی‌دانیم مجتهد جامع الشرائطی که تقلید بکنیم زید است یا عمرو یا بکر است حالا ما جمع بین هر سه قول کردیم قول

هر سه را عمل کردیم کاری کردیم که احاطه یعنی فراگیری روی اینها فرا گرفت تمام اینها را به خودش فرا گرفت این را می‌گویند احتیاط ،

این احتیاط به مناط حکم عقل نظری است .

احتیاط قسم دوم به مناط حکم عقل عملی است نه نظری ، یعنی ما در یک مساله‌ای احتیاط بکنیم به این معنا که بیشتر مراجعه کنیم

دقت کنیم شواهد را جمع آوری کنیم مشاوره کنیم به جهات مختلف مراجعه کنیم نه اینکه جمیع احتمال ، مثلاً فرض کنید سه تا دکتر یکی

گفت آمپول فلان بزنید یکی گفت سرم بزنید یکی گفت قرص بخورید به مناط عقل نظری این است بیا هر سه را انجام بده هر چه که سه

دکتر گفتند ، این یک نوع احتیاط است یک نوع احتیاط نه برو سوال بکن تحقیق بکن دکترهای دیگر را مراجعه بکن شورای پزشکی ، ببین

شورای پزشکی تشکیل می‌دهند این به مناط عقل حکم عملی است آن عقلی که دنبال استکمال کمال را می‌بیند این دنبال آن جهت است

دنبال واقع اصابعی واقع و لذا این احتیاط غیر از آن احتیاط است کلاً با هم فرق می‌کند این به مناط حکم عقل عملی است .

احتیاط قسم سوم به مناط اصل عملی است نه عقل عملی ، آن احتیاط در مقام عمل انسان به اصطلاح تردید پیدا می‌کند مثلاً این آب

نجس است یا آن مثلاً قطره‌ی خون در این استکان افتاده یا در آن استکان نیافتاده است در اینجا احتیاط به مناط حکم اصل عملی به این

معناست در ضوابط معینی در شبهات معینی در موارد معینی که سابقاً هم توضیح دادیم نفس اضافه‌ی بر ادراک ابداع هم می‌کند .

دید یک قطره‌ی خون افتاد در یکی از این دو کاسه این جا آن که رویت آن است یک کاسه است اما در مقام اجرا و عمل از هر دو اجتناب

می‌کند ، این دو تا نجس ابداعی هستند یعنی کل واحد نجس ابداعی است لکن احدهما نجس واقعی است و لذا این شبهه‌ی معروف که

اگر ما می‌دانیم خون در یکی افتاده عبا‌ی ما دست ما به یکی خورد آیا نجس می‌شود یا نه ؟ این را بحث کردند ملاقی احد الاطراف همین

بحث ملاقی احد الاطراف بحث کردند و چرا اجتناب از ملاقی احد الاطراف واجب نیست ؟ ما توضیحی را که دادیم در آنجا آقایان جهات

دیگری را نوشتند مراجعه کنید عرض کردیم احد الاطراف نجس ابداعی است ، احد الاطراف بعینه نجس ابداعی است احدهما نجس واقعی است و ادله‌ی سرایت نجاست نجس ابداعی را نمی‌گیرد نجس واقعی را می‌گیرد.

اگر دست شما به خون خورد و تر بود به اصطلاح نجاست ساری و مسریه به قول آقایان ساری و مسریه بود در آن جا نجس می‌شود اما نجس ابداعی که شما درست کردید آن انجام نمی‌دهد این یک احتیاط است این در همین بحث احتیاط و اشتغالی که آقایان گفتند پس ما در حقیقت سه جور احتیاط داریم .

یکی از حضار: فرق قسم اول و سوم الان

آیت الله مددی: اول و سوم در قسم اول کاری به این جهت ندارد ابداع بکند احتمال می‌دهد احتمال را هم انجام می‌دهد

یکی از حضار: طبیعت هم دارد ابداع می‌کند که ، آنجا هم احتمال می‌دهیم اینجا هم احتمال

آیت الله مددی: نه آنجا می‌گوید چون نمی‌دانم ، ابداع نمی‌کند . می‌گوید من هر سه را انجام می‌دهم پس به واقع رسیدم ابداع نمی‌کند،

یکی از حضار: خوب در جهت نفی اش چه ؟

آیت الله مددی: حالت ابداعی ندارد در آنجا مثلا پنج تا احتمال است هر پنج تا را انجام می‌دهد

و لذا خوب دقت کنید در مثل این احتیاط این همین احتیاط است که در اول رساله‌های عملیه آمده است یا مجتهد است یا مقلد است یا محتاط و لذا بحثی که در آنجا هست این است این احتیاط را آقایان گفتند شما می‌توانید انجام بدهید ولو تمکن از آن دو راه دارید مثلا شما پنج تا لباس در اتاق دارید اگر چراغ را روشن کنید تشخیص می‌دهید یکی از این ها نجس است نه چراغ را روشن نکنید پنج تا نماز بخوانید .

می‌تواند تقلید کند و تقلیدش هم درست است مجتهد جامع الشرائط هم هست لکن می‌گوید من تقلید نمی‌کنم با اینکه تمکن دارد عمل به احتیاط می‌کند همه‌ی احتمالات را انجام می‌دهم . این محل کلام است یا خودش مجتهد است ممکن است مراجعه به ادله کند روایت را نگاه بکند لکن نمی‌کند همه را انجام می‌دهد این است که در اول رسائل الان عملیه تقریبا می‌شود گفت از زمان شیخ این عوض شد آن که در مثل قوانین و اینها بود این بود عمل العامی بلا اجتهاد و لا تقلید باطل . روشن شد چه می‌خواهم .

این عمل العامی بلا اجتهاد و لا تقلید مرادشان این است که اگر متمکن از اجتهاد یا تقلید بود یا متمکن از علم تفصیلی بود یا متمکن از ظن تفصیلی معتبر بود مع ذلک می‌تواند احتیاط کند یا نه متمکن این محل کلام است . متمکن از این است که می‌تواند تقلید کند

مجتهدش هم معین است لکن می گوید تقلید نمی کنم این گفته نماز قصر بخوان آن گفته نماز تمام بخوان من دو تا را می خوانم دو تا احتمال هست من هر دو را می خوانم .

یا در موضوعات خارجی تصور بکنید پنج تا لباس در اتاق هست اگر چراغ را روشن کند می تواند آن را بشناسد لباس نجس را ، روشن نمی کند در تاریکی پنج تا نماز می خواند ، با تمکن از علم تفصیلی روشن شد ؟ این محل کلام است و لذا ما هم شبهه کردم گفتیم نائینی از باب لعب به امر مولی می داند اشکال می کند نائینی هم اشکال دارد .

عرض کردم ادعای اجماع شده عمل العامی بلا اجتهاد و لا تقلید باطل بله جایی می شود که تقلید صحیح برایش واضح نیست ، مجتهد جامع شرایط یا این است یا آن آنجا احتیاط معنا دارد ، اما جایی که تقلید صحیح برایش متمکن است دقت فرمودید ، تمکن از تقلید صحیح دارد ما هم خود ما هم اشکال می کنیم احتیاط نکند .

علی ای کیف ما کان جای احتیاط نیست تقلید انجام بدهد ، خصوصا اگر مستلزم تکرار باشد مثل همین مثال که گفتم چون این قطعا مودی به حالات و سواس و تا جنون هم می رساند بعضی ها که خیلی احتیاط می کنند به مرز جنون نزدیکترند علی ای حال این مطلبی را که از زمان شیخ به این طرف معروف شد شیخ انصاری در حوزه های ما .

حالا بحثی که هست مخصوصا مرحوم شیخ در تنبیهات برائت و اشتغال دارد ، تنبیه نمی دانم چهارم یا پنجم است لا ریب فی حسن الاحتیاط عقلا و نقلا ما عرض کردیم اتیان ، خوب دقت کنید بحثی که هست این است که اتیان احتمالات آیا این فی نفسه حسن دارد عقلا و نقلا خوب دقت کردید ؟ در آن بحث های احتیاط عرض کردیم در این جامع الشتات مرحوم میرزای قمی یک نامه ی بسیار مفصل خیلی تعجب آور است مرحوم آخوند ملا علی نوری به حساب رئیس فلاسفه ی اصفهان ایشان یک نامه ای به میرزای قمی نوشته و خیلی القاب برای میرزای قم آورده و واقعا هم عجیب است حالا آن فیلسوف برای ایشان خیلی آداب و احتراماتی به کار برده بعد نوشته که برای من شبهه ای پیدا شده و می خواهم عباداتم را تکرار بکنم ، حالا فیلسوف می خواهد تکرار کند احتیاط می کند .

مرحوم میرزای قمی ایشان هم مقدمه اش خیلی طولانی است خیلی با ایشان با آداب و احترام از این فیلسوف معروف نام می برد ایشان می گوید نه معلوم نیست این احتیاط رجحان داشته باشد ، فیلسوف می خواهد احتیاط کند فقیه می گوید نه روشن نیست این احتیاط و حق با میرزای قمی است ما عرض کردیم این مطلبی را که شیخ انصاری فرمودند و خیلی هم مشهور شده لا ریب فی حسن الاحتیاط عقلا و نقلا متأسفانه ثابت نیست نه عقلی چنین حکم می کند شما بنشین احتمالات را انجام بدهید و نه چنین نقلی داریم .

عرض کردم در نگاه کنید شاید حافظه‌ی من درست کار نکند در اول بحث قضاوت آن مقدمات قضاء در کتاب وسائل نمی‌دانم باب ششم است هفتم است چندم است یک بابی قرار داده در وجوب احتیاط در شبهات تحریمیه ایشان در آنجا این را آورده است مرحوم آقای بروجردی در مقدمات جامع الاحادیث آوردند ایشان در بحث قضاء این را آورده است. یاد می‌آید به عدد ۶۷ تا حدیث آورده ایشان در آنجا ۶۷ تا حدیث در باب رجحان احتیاط این نظر مرحوم شیخ است روشن شد؟ حسن احتیاط عقلا و نقلا، مرادش از نقلا این روایاتی است که مرحوم میرزا، مرحوم صاحب وسائل آورده است و ما تصادفاً در بحث احتیاط تمام این ۶۷ را خواندیم، دانه دانه گفتیم مطلبی از اینها در نمی‌آید.

اینها اخوک دین فاحتط لدینک مراد احتیاط به مناط عقل عملی است نه عقل بنشین همین جور محتملات را انجام بده، در امر دینت دین را مثل برادر خودت حساب نکن، احتیاط بکن سوال بکن بررسی بکن تحقیق بکن وظیفه را پیدا بکن تشخیص بده تمام این خصوص مراد این است نه اینکه بنشین احتمالات را انجام بدهیم اخوک دینک فاحتط لدینک به این معنا نیست. اصل عملی هم با همان ضوابط خودش که باید اصلاً در باب احتیاط در اصل عملی باید علم به نحو طریقی باشد علم به نحو موضوعی باشد جای احتیاط نیست. اگر گفت معلوم النجاسة را اجتناب بکن یا این نجس است یا آن، خوب این نمی‌گیرد آنجا عرض کردیم شرائطی دارد تنجیز علم اجمالی این طور نیست که بگوییم یا این یا آن پس دیگر تمام شد شرایط تنجیز علم اجمالی را عرض کردیم.

پس بنابراین دقت کنید ما سه نحو احتیاط داریم، این که امام می‌فرماید احری و احری ان یحتاط این بحث نکردند که این احتیاط کدام یکی اش است. این که مرحوم نائینی اینها را دقت کردید چه می‌خواهم بگویم. این که مرحوم نائینی می‌گوید احتیاط این است که طلاق بدهد و یجدد، این احتیاط به مناط عقل نظری است روشن شد؟ یعنی اتیان محتملات، این که مرحوم شیخ می‌گوید دوران امر بین منظورین است این احتیاط به مناط اصل عملی است نمی‌توانیم ترجیح بدهیم یا این یا آن و اینکه فرمود این یکی اهون از آن یکی است روشن نیست نه در هر دو هم وطی شبهه است فرقی نمی‌کند.

این که با ذات البعل به اصطلاح نستجیر بالله ازدواج بکند یا ازدواج با زنی که نا محرم است اجنبیه است با او بخواهد باشد خوب مثل هم هستند چه فرق می‌کنند؟ اینکه آن یکی اشد احتیاطا، احتیاطی در کار نیست که اشد باشد، لذا به ذهن ما می‌آید که باید اصلاً در مفاد روایت فکر کرد که امام می‌خواهند بفرمایند احری و احری و خصوصاً که امام بلا فاصله شبیه این قصه را از امیرالمؤمنین نقل می‌کنند. یکی از حضار: یعنی اگر سنی‌ها هم می‌گشتند از همین پیدا می‌کردند.

آیت الله مددی: اها، روشن شد.

این احتیاط به مناط حکم عقل عملی است نه نظری و نه اصل عملی. یعنی شما در امر دین احتیاط بکنید شما به فکر خودت می آید که احتیاط این است احتیاط آن نیست که تو می گویی باید با مراجعه‌ی به اهلش با مراجعه‌ی به ، با شواهد مراجعه‌ی به ادله .

بینید اشکال عرض کردم در نزد اهل سنت هم فقه کوفه را فقه علی بن ابی طالب می دانند و عبدالله بن مسعود ، دقیقاً هم همین قصه است زنی به کسی وکالت می دهد بعد که می رود این زن به آنها می گوید شاهد باشید من او را عزل کردم حالا مفصل هم خیلی قشنگ قصه را پرداخته یعنی پرداخت قصه کرده به قول امروزی‌ها سبک رمانتیک هم هست خیلی قصه را هم با خصوصیاتش شرح می دهد ایشان .

بعد می آید نزد امام ، امام می فرماید بعد به زن می گوید ، می گوید آقا من شاهد گرفتم می گوید شما شهادت می دهید ، می گوید بله ، بعد به زن می گوید خود این مرد را هم شاهد گرفتی به خود مرد هم گفتی می گوید نه نگفتم ، می گوید پس نه تمام است . به آن مرد گفت بیا دست زنت را بگیر برو .

پس ما اگر یعنی امام می خواهند بفرمایند اگر این آقا اگر بخواهد احتیاط بکند احتیاط در امر دین این است که به قول امیرالمؤمنین مراجعه کند ، مراد از احتیاط مناط عقل عملی مراجعه‌ی به ادله است مراجعه‌ی به حجت است. وقتی که عین این قصه از امیرالمؤمنین نقل شده و انجام داده ، عرض کردم اصولاً در میان اهل سنت روی قضاوت‌های امیرالمؤمنین عنایت خاصی است هم به خاطر قول رسول الله اقواکم علی ، این شعر معروف مثنوی هم همین است . ای پس از سوء القضاء حسن القضاء تو به تاریکی علی آورده ای ، بعد می گوید ای پس از سوء القضاء حسن القضاء این همان روایت رسول الله است .

امیرالمؤمنین به گفته‌ی رسول الله اقضاکم از عمر هم که معروف شده که تا هفتاد بار حساب کردند لولا علی لهلک عمر ، الی ای حال در بحث قضاوت و از همان اول هم قضاوت‌های ایشان را تدوین کردند این توضیحاتش گذشت و به هر حال یعنی بحثی که هست لا اقلش این است که از صحابه است با آن قریبی که به رسول الله داشته که حجت این است احتیاط این است که به نظر ، این که می گوید عزل آن که می گوید علم آن روی نظر خودش آمده گفته است.

امام می خواهند بفرمایند که احتیاط بکند روی نظر خودت نگو این قصه در کوفه واقع شده است و امیرالمؤمنین سلام الله علیه طبق مقام علم حکم فرمودند اصلاً در آخرش دارد که امام به مرد گفتند دست زنت را بگیر برو ، حالا زن می گفت من عزلش کردم ، آخرش اگر بخوانید دارد که اصلاً دست زنت را بگیر برو اگر آوردید روایت را دو مرتبه

یکی از حضار: آخرش قسم هم می دهد قسم هم می خورد دستش را می گیرد .

آیت الله مددی: حالا من قسم در ذهنم درست نمی آید ، دیروز هم خواندم روایت را باز هم یادم نیست .



یکی از حضار: همینطوری است و حلف

آیت الله مددی: ها این از باب اینکه که او باید قسم باید بخورد. بله به مرد. زن می گوید مرد را قسم بدهد فحلفه به نظرم

یکی از حضار: زن پشیمان بوده است.

آیت الله مددی: بله، به او قسم بده که بگوید من بی خبرم، ایشان هم قسم می خورد که من بی خبر بودم نمی دانستم خبر نداشتم ایشان

را تزویج کردم، بعد از آن قسم چه می گوید بعد می گوید اذهب بزوجک یک چنین چیزی

یکی از حضار: فقال خذ بیدها بارک الله لک فیها فقالت یا امیرالمؤمنین احلّفه انی لم اعلمه العزل فقالت بعد می گوید ولم یعلم بعزلی

ایاه قبل النکاح قال وتحلف قال نعم یا امیرالمؤمنین فحلّف فاثبت وکالته

آیت الله مددی: ببینید دقت کنید خیلی واضح است دیگر جای شبهه ندارد جای مساله‌ی به رجوع، یعنی حجت الهی قائم است با

وجود حجت الهی دیگر چه می شود برای خودت رأی می دهی که عزل معتبر است یا علم معتبر است احتیاط این است که شما در امور

دینی تان دقت‌هایی، این می شود احتیاط به مناط عقل عملی هیچ شبهه‌ای هم ندارد روایت هیچ مشکلی.

اصلا این کلام برای امیرالمؤمنین اخوک دینک فاحتط لدینک، اخوک دینک آن احتیاط، احتیاط عقل عملی است، نه عقل نظری،

اصلا عقل نظری که انسان محتملات را انجام می دهد چه حسن عقلی دارد؟

یکی از حضار: ممکن است جهل هم باشد در مقابل عقل

آیت الله مددی: نه آخرش جنون است دیگر مرز جنون است و واقعا هم کسانی که افتادند، خوب آدم می تواند قشنگ چراغ را روشن

کند امکان هم دارد ببیند کدام نجس است با آن نماز نخواند.

یکی از حضار: با عقل عملی بررسی کرد باز بیست درصد احتمال خلاف می دهد

آیت الله مددی: بیست درصد ارزش ندارد.

و لذا ما هم در باب احتیاط عرض کردیم حتی مثلا می گویند احتیاط وجوبی احتیاط باید منشاء داشته باشد بدون منشاء می شود به آن

می گویند احتیاطا

من در بحث فروع غصب و صلاة در غصب می گوید اگر مثلا در یک محملی گذاشتند، محمل را هم روی اسبی گذاشتند و یا روی

شتر گذاشتند حالا شکم شتر پاره بوده با نخ غصبی او را بخیه کردند آیا این صلاة در غصب صدق می کند؟ خوب این احتمال بدهیم این

صلاة در غصب است نماز نخوانیم، خوب خیلی احتمال ضعیفی است.

اگر بنا بشود یک کسی به این جور احتمالات عمل بکند این لا ریب فی حسن الاحتیاط من که نفهمیدم واقعا عرض می کنم چند سال است این بحث را مطرح کردم ، این حسن الاحتیاط چون شیخ این را رسائل فرموده ، رسائل هم کتاب درسی حوزه است این دیگر جزو کانا استانداردهای حوزه‌ی ما شده است که لا ریب فی حسن الاحتیاط آن هم احتیاط یعنی اتیان جمیع احتمالات ولو محتمل ضعیف باشد عرض کردیم هیچ نکته‌ای در حسن این نیست و هیچ روایتی هم بر این مطلب ما نداریم و هیچ نکته‌ای هم در این حسن احتیاط به لحاظ عقلی وجود ندارد .

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین